

راز و نیاز کرزی با خدای عالمیان



خدایا! شکر به ار آلت! ولی ای چی روزیس که سر مه آوردی؟ تا کی مه باید دست بین و دست نگر ای امریکائیا باشم؟ مه خو نفامیدم که مه بنده تو استم یا بنده ای امریکائیا؟ تا کی اینا چنان با غرور و هیبت و با چنان قانیت و سلابت را میرن و مه بدنبال شان مانند مزدور زر خرید شان روان استم؟ تا کی باید اینا بگوین و مه گوش کنیم؟ ریس جمور مستم یا ای گردن کلفت؟

پیش مردم به یک پیسه سیا شدیم. بین مه و مرحوم شاه شجاع مرحوم و مغفور و جنت مکان کارمل در نظر مردم ایچتفاوتی وجود نداره. مه خو ایتو نمی خواستم. چقه باید دروغ بگویم؟ چقه باید کارای ای امریکائیا و ای زورآور ای جهادی ره پلپوت کنم؟ از بس که دروغ گفتیم آلی دگه خودمام نمی فامم که ارف راستم کدام بود و ارف دروغم کدام اس.

از جانبی از به شانه انداختن ای چین تزویر دیگه بیخی خسته شدیم. خصوصن در ای روزای گرم اوغانستان. چین کرتی واسکت پیران یخن بسته جاکت ضد گوله و زیرپیرانی ... تا کی ای اذاب؟ مام روز به روز پیر و زئیر شده میرم. او شیمی جوانی

دیگه نمانده! بار ای امه کارای امریکائیا ورهبرای و قومندانای جهاد و فشار طالب کم اس که یک بار دیگه رام سری شانی مه انداختی! و ...

و ای مردم اق ناشناس! ارچی قسم و قران می خورم و ارچی اشک می ریزم که او مردم مه خدمتگار تان استم و امریکائیا هم دوستان ما کس باور نمی کنه. به دادم برس. ای خدای پاک!

چالای که یاد داشتام دیگه سر کسی کار نمی کنه. تو یک رای نشان بته که از ای سیاروئی نجات پیدا کنم. مه خو شرمندی از خود و بیگانه و دنیا و ... (آخرت نمی گم چون آخرتم ده دست خودت اس) شدیم.

با ای امه پول که از رای الال و ارام به مه دادی چی کنم؟ شکر به امه آن چیزا که بمن دادی. ولی مه آرزوی یک جو آبرو و یک جو قدرت دارم. مره از دربارت ناامید نکو. خدایا! لطفی ته ده اق مه کامل کو!

کاری کو که بتانم برای دور سومام ریس جمور شوم. مه خو در مزار و قنذار و اینجه و اونجه نارامیا ره انداختیم و تحریکاتام روان اس. ده نظر دارم آلت استرارام ایلان کنم و لویه جرگه رام ده وت کنم. پنجصد طالبام فرار دادم که مردم فکر کنن که ما بری گرفتن امنیت کشور انوز آماده نیستیم. پاکستانیا رام نیغ کدیم! دیگیش به دست تو.

منی مسکینه از دربارت ناامید نکو. مردما ار کدام سی سال و چل سال اس که ریس جمور استن. مه قفت دو دوره گگ؟ ای خو انصاف نیس! نگذار که مه باد از دو دوره پشت کارم بروم. قفت یک دوره دیگر! پلیز ... پلیز ...

امید اس ایران - بخصوص بیادر بزرگوارم آلیجناب آغای مامود امدی نجاته) و پاکستانام ده پنا خود داشته باشی و طالبام صد سال زنده باشن و ده ای ملکام تا مستم شر و شور و جنگ و بی اتفاقی از بین نره.

یگانه رای که مه میتانم بازام ریس جمور شوم امیست که مداخله ایران و پاکستان و مخالفتای طالب قطه نشه و بی اتفاقی و جنگ و خصومت ده اوغانستان ادامه پیدا کنه. یک دوره دیگه! پلیز! اگه ای نره خرام بالای سرم باشه خیره. خو یک بار دیگه!

خدایا ای سایتا رام غرق کو که پشت مره ایلا نمی کنن. ای امریکائیا رام خانی شانه خراب کو. ای بی عقلا ره! (نی توبه ... توبه! زبانه بریده باد! ای کاره نکنی که خانه مام خراب میشه!) از یک طرف مره ده ای ملک ریس جمور ساختن و از طرف دیگه دست ای همه سایته ده داخل و خارج واز گذاشته ان که ارچی بد و بیرا اس به منی مسکین و آجز بگوین و نه آبرو براریم بگذارن و نه ازت.

ای چی رقم کار اس؟ ای چی رقم سیاست اس که دزه میگن دزی کو و صالب خانه ره میگن بیدار باش؟

تو خو میدانی که چی بود که مه بری ازی امریکائیا نافام نکدم؟ آیا لازم اس که اینا با ای همه خدمت و جانفشانی دست مخالفین مره واز بگذارن؟ و ای نمایندگی شانبا مه چنین با اقارت رفتار کنه؟

یک بار به قیافی وی نگاه کن. از چشمایش غضب و آلت باداری می باره. سری مه ایتور قار اس که فقط کل خرابیاکار مس. ده پشتشام نشانه قدرت روی زمین! مه چی بگویم و چه بکنم و ...

خدایا! اقدر بیچارگی و اقارتم دیگه بس اس!